

غزنین به محلت نوآباد در خانه عایشه نیکو» ذکر شده است.

✱

اما حدیقه الحقیقه که پیدا است از آثار نهایی سنایی در شاعری است، و شمار آن را از ده تا دوازده هزار برشمرده‌اند، منظومه‌ای است استوار و بدیع که در شعر فارسی آغازگر گونه‌ای شعر صوفیانه و حکیمانه است که برای نخستین بار اندیشه‌های عارفانه را با اصطلاحات صوفیان و گفتار مشایخ درآمیخته و با تمثیلات بکر و نغز در شعر و شاعری تحوّل بزرگ پدید آورده است؛ و شور و جوش و جذبۀ سخن او را راهگشای بزرگان عارفان شاعر و شاعران عارف چون شیخ عطار و مولانا جلال‌الدین محمد مولوی گشته است.

چیرگی و تسلط سنایی در ادب فارسی و تازی و تبخّر او در معرفت به کلام وحی، قرآن مجید، و اصطلاحات و نکات تفسیری و احادیث و اخبار و امثال و حکم، و نیز برخورداری تام و تمام از دانش‌های زمانه در مقوله پزشکی و نجوم و جامعه‌شناسی عصری مایه آن گردید تا مولوی، خداوندگار مثنوی، چنانکه در مناقب العارفین افلاکی آمده است اذعان کند که: «بهاء‌الدین بحری که از علم معانی بهری اکمل داشت، روایت کرد که روزی حضرت مولانا فرمود که هر که به سخنان عطار مشغول شود از سخنان حکیم سنایی مستفید شود، و به فهم اسرار آن کلام رسد، و هر که سخنان سنایی را به جدّ مطالعه کند بر سر سنای سخنان ما واقف شود».

سنایی با وقوف به ابتکاری بودن اثر خود و اسلوب و شیوه نوظراز آن که حاصل طبع روان سحرآفرین و قریحه تابناک اوست، با چنان مهارتی که در تألیف و نظم آن به کار داشته، و لغات و اصطلاحات و تعبیرات را چون نگارگری استاد به جای خود نشانیده است تا لطافت و براعت سخن او مایه اعجاب و شگفتی خواننده گشته، آگاهانه به هنر آفرینیهای خود می‌گوید:

زین سپس تا همی سخن رانند	حکمای زمانه این خوانند
تا بنا کرده‌ام چنین شهری	مثل این کس ندیده در دهری
زین نکوتر سخن نگوید کس	تا به حشر این سخن جهان را بس
چون ز قرآن گذشتی و اخبار	نیست کس را بدین نمط گفتار
فضلا متفق شدند برین	که کلام گزیده نیست جز این
آنکه باشد سخن شناس و حکیم	همچو قرآن ورا نهد تعظیم